

واقعہ کربلا تأثیرگذارترین عامل در بازسازی هویت مسلمانان است



استاد دانشگاه و حوزه علمیه، بیان کرد: در میان نویسندگان مسلمان، کمتر کسی است که قیام امام حسین(ع) را مردود یا برخلاف مصلحت بدانند؛ با نگاهی به آیات قرآن و روایات بیشمار، به دست می‌آید که امام(ع) بر اساس سنت و قانون الهی دست به چنین حرکتی زده است؛ قانونی که اختصاص به امام حسین(ع) نداشته و هر امام دیگر در شرایط مشابه، موظف به انجام آن بوده است.

حجت الاسلام و المسلمین رحیم ابوالحسینی استاد دانشگا و حوزه علمیه قم در گفتگو با خبرنگار حوزه اندیشه خبرگزاری تقریب با تبیین واقع کربلا و اهداف قیام سیدالشهدا امام حسین(ع)، اظهار داشت: در بسیاری از نقاط جهان محافل عزاداری برای امام حسین(ع) برگزار می‌شود و در طول تاریخ درباره واقعه کربلا آثار فرهنگی، هنری و مذهبی بسیاری پدید آمده است.

حجت الاسلام ابوالحسینی، افزود: در میان نویسندگان مسلمان، کمتر کسی است که قیام امام حسین(ع) را مردود یا برخلاف مصلحت بدانند؛ به گفته برخی از مورخان در صد سال اخیر و به خصوص پس از دوران سید جمال‌الدین اسدآبادی، نگاه نویسندگان اهل سنت به واقعه عاشورا اینگونه بوده که حرکت امام حسین را

تایید می‌کنند.

وی ادامه داد: اما با استفاده از آیات قرآن، تحلیل احادیث پیامبر اکرم(ص)، تبیین روایات و احادیث، و تفسیر گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید که حرکت امام حسین(ع) ریشه در سنتی دارد که همه پیامبران در راه تحقق جامعه‌ای سالم آن را دنبال و اجرا نموده‌اند. در فرهنگ قرآن سه نوع سنت را میتوان استنباط کرد، سنت فرصت عدل (ولایتی که خداوند در اختیار اولیاء خدا قرار میدهد)، سنت تداوم عدل (تحقق عدالت و استمرار آن)، سنت براندازی (هلاکت در اثر بی عدالتی).

این استاد حوزه علمیه، تصریح کرد: «فرصت عدل»، سنتی است که همیشه وجود دارد یعنی خداوند هیچگاه زمین را از این فرصت خالی نمیکند بلکه حجت الهی همواره در میان آدمیان بوده و انسانها می‌بایست از این فرصت برای راهنمایی و هدایت خود استفاده کنند و در مرحله بعد تداوم آن را تضمین نمایند. بنابراین منظور از «سنت تداوم عدل» جامعه‌ای است که از هدایت پیشوایان دینی برخوردار بوده و استعداد استمرار عدالت و سعادت را برای خود مهیا ساخته است. اما هرگاه در یک جامعه «سنت تداوم عدالت» از دست برود، نوبت به «سنت براندازی» میرسد که در این صورت، نفرین پیامبران در حق آن جامعه، مأذون و مستجاب بوده، و آن جامعه محکوم به فنا و نابودی خواهد بود.

وی عنوان کرد: در این باره شواهد بیشماری از آیات قرآن و روایات وجود دارد که خواننده را سرشار از رضایت میکند. با این حال باید توجه داشت که جامعه نبوی نسبت به امتهای پیشین استثناء شده است، زیرا به استناد آیه شریفه: «وما کان الا لیعذبهم و أنت فیهم» (انفال(8): 33) امت پیامبر برخوردار از یک ویژگی منحصر به فرد است که امتهای دیگر فاقد آن بوده‌اند، و آن این است که هیچگاه رسول گرامی اسلام(ص) مجاز به نفرین در حق امت خود نبوده است، و جانشینان او که در راستای مأموریت پیامبر، حق پیشوایی و حکومت داشتند نیز مجاز به آن نبوده‌اند.

این کارشناس حوزه وحدت و تقریب، اضافه کرد: اکنون امام حسین(ع) «فرصتی برای عدالت» است(سنت اول)، لکن در جامعه‌ای زندگی میکند که تداوم و استمرار عدالت از دست رفته است(سنت دوم)، پس چه باید بکند؟ آیا او مجاز به نفرین است تا امت پیامبر(ص) همچون امتهای پیشین، محکوم به فنا گردند(سنت سوم) یا راه دیگری را باید برگزیند؟ آنجا که پیامبر مجاز به نفرین نیست، پس نوه او که به سبب وصیت جدش، حق ولایت و حاکمیت بر جامعه را دارد به طریق اولی مجاز به نفرین نیست. اینجاست که باید دید امام حسین(ع) چه راهی را در پیش گرفته و مبنای قیام او چه بوده است؟.

وی در پایان تاکید کرد: با نگاهی به آیات قرآن و روایات بشمار، به دست می‌آید که امام(ع) بر اساس سنت و قانون الهی دست به چنین حرکتی زده است؛ قانونی که اختصاص به امام حسین(ع) نداشته و هر امام دیگر در شرایط مشابه، موظف به انجام آن بوده است. سنت الهی و قرآنی این است که هرگاه در جامعه‌ای استعداد تداوم عدالت از دست برود و مردم آن، هیچ ظرفیتی برای حفظ یا گسترش عدالت نداشته باشند، آن جامعه محکوم به فناست. یعنی پیامبران در چنین وضعیتی حق دارند نفرین خود را بر آن جامعه نثار کنند و نفرین آنها مأذون و مستجاب است، و پس از نابودی امت پیشین، امت دیگری جایگزین آن می‌گردد: «ثم أنشأنا من بعدهم قرناً آخرين» (مؤمنون(23): 31).